

# گردشی در کارگاه صنایع دستی ایران سوزندوزی - زری بافی

از: زیلا علیزاده

## سوزندوزی، نور چشم زنان بلوچ

بلوچها از دورترین سالها با توجه به موقعیت طبیعی محیط زیست خود کوشیده‌اند تا از مواد و مصالحی که طبیعت به رایگان، یا با قیمت بسیار ارزان در اختیارشان قرار داده، حداکثر بهره‌برداری را بنمایند و با تبدیل آنها به کالاهای کاربردی، وسایلی برای کسب درآمد خود ایجاد کنند. به همین سبب، سفالسازی، حصیربافی، بافت سیاه چادر از موی بز، بافت خورجین و جوال، نمدمالی، خراطی و تهیه مصنوعات مختلف دیگر از برگ درخت نخل و پوست و موی بز در بلوچستان سابقه‌ای دیرینه دارد و تقریباً ردپایی از تولید آنها در همه روستاهای بلوچستان دیده می‌شود. در میان همه تولیدات بلوچها، یک رشته دیگر نیز وجود دارد که کاربردی جهانی یافته و اینک سالهاست که آوازه‌اش از مرزهای کشورمان فراتر رفته و در مناطقی از دنیا آن را می‌شناسند. این محصول به «سوزندوزی» شهرت دارد و گاه با عنوان «بلوچ دوزی» یا «سوزندوزی بلوچی» نیز از آن یاد می‌شود و تاکنون مشابه آن در نقطه دیگری از کشور مشاهده نگردیده است. راز و رمز این هنر ظریف و در عین حال پیچیده را زنان و دختران بلوچ می‌شناسند. در سرتاسر گستره وسیع بلوچستان، اکثر زنان و دختران پر تلاش با سوزندوزی آشنا بوده یا دست‌اندرکار تولید آن هستند. اکثر دختران از سنین چهار - پنج سالگی، به موازات آموختن فنون خانه‌داری، و چه بسا قبل از آموختن آنها،

توسط مادران یا خواهران بزرگتر خود با شیوه‌های کار سوزندوزی آشنا می‌شوند و معمولاً هم تا پایان عمر پیوند خود را با نخ، سوزن و پارچه حفظ می‌کنند.

### مناطق تولید سوزندوزی

سوزندوزی تقریباً در همه جای بلوچستان رایج است، اما برخی نقاط در این زمینه شهرت بیشتری دارند که عبارتند از: چانف، اسپکه فوج، سورمیچ، نکوچ، بیب، هریدوک، کویچ، بزمان (از توابع ایرانشهر)، سیب سوران (از توابع سراوان)، ایرندگان و مارندگان (از توابع خاش) و مهنهت، قاسم آباد، گشت، کله‌گان، بمپور و اسماعیل آباد. معروفترین سوزندوزان در زاهدان، بمپور و قاسم آباد فعالند اما تولیدات نکوچ و چانف مرغوبیت بیشتری دارد. ذکر این نکته لازم است که سوزندوزی بلوچهای سرحدی که در مناطق شمالی بلوچستان زندگی می‌کنند، با تولیدات بلوچهای مکرانی که در نواحی جنوبی سکونت دارند، دارای مختصر تفاوت‌هایی است. بدین معنا که در قسمت جنوب، بیشتر رنگ‌های تیره مورد استفاده قرار می‌گیرد و نقش‌های ریز و پر، رواج دارد، در حالی که محصولات منطقه شمال و شرق بیشتر دارای رنگ‌های روشن و نقوش ساده‌تر است.

تولید سوزندوزان بلوچستان کلاً به دو دسته تقسیم می‌شود، یک دسته، فرآورده‌هایی است که کاربردهای منطقه‌ای دارد و بیشتر مشتمل بر نوارهایی است که برای تزئین پیش

سینه، سراستین، یقه و دمپای شلوارهای زنانه به کار می‌رود و طرح، نقش و رنگ آنها متناسب با سلیقه بومی و سنتی مصرف‌کنندگان محلی است. دسته دوم، محصولاتی که شامل رویه کوسن، رویه بالش، اشارپ، سجاده، جلدقرآن، رومیزی، دستمال سسفره، سفره عقد و جز این‌هاست و برای عرضه به بازارهای دیگر نواحی کشور تهیه می‌شود.

### مواد اولیه و ابزار کار

ابزار کار سوزندوزان بلوچ بسیار ساده و ابتدایی و مرکب از سوزن، انگشتانه خراطی و قیچی است و مواد اولیه مصرفی آنها به نخ و پارچه محدود می‌شود. نخ، برحسب سلیقه و امکانات سوزندوز، ممکن است دمسه، نخ ابریشمی، نخ ویسکوز، یا انواع نخ‌های پاکستانی باشد. پارچه‌ای که به کار می‌رود، پیشترها گاندی و کتان بود که از پاکستان وارد می‌شد و اینک فاستونی و دیگر انواع پارچه‌های درشت بافت داخلی یا پارچه‌های پنبه‌ای است. پارچه‌های فاستونی و درشت‌باف به مصرف سوزندوزیهای کم‌کار می‌رسد و از پارچه‌های پنبه‌ای برای تولید سوزندوزیهای ریزباف و پرکار استفاده به عمل می‌آید.

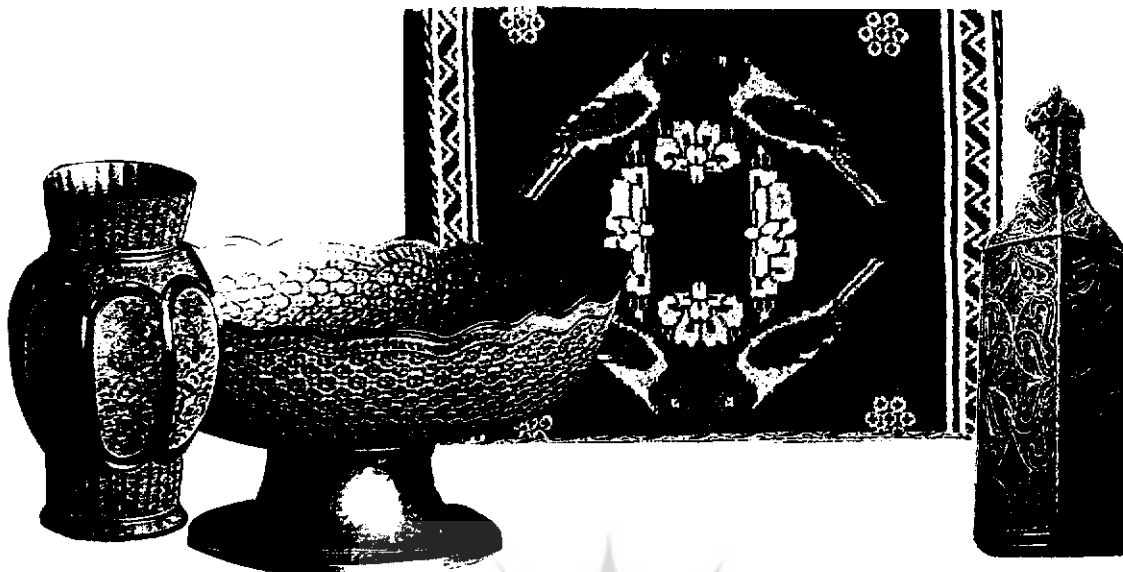
### طرح‌ها، نقش‌ها و رنگ‌ها

در بلوچستان، سوزندوزیها را می‌توان به سه گروه پرکار، میان‌کار و کم‌کار تقسیم کرد. در نوع اول که نفاست و قیمت بیشتری

دارد و صبر و هنر بیشتری نیز صرف تولید می‌گردد، تمام سطح پارچه از بخیه‌های ظریف و رنگینی که در کنار هم می‌نشینند، پوشیده می‌شود و سطح جدیدی از رنگ و نقش پدید می‌آید. در نوع کم‌کار، فقط خطوط اصلی طرحها سوزندوزی می‌شود و طبیعی است که حداقل این دو نوع، که اصطلاحاً میان‌کار نامیده می‌شود، علاوه بر خطوط اصلی، قسمت‌هایی از زمینه نقوش نیز با سوزندوزی تزئین می‌گردد. دوخت از هر نوع که باشد، نقش آن حتماً هندسی و تلفیقی از مربع - مستطیل -

لوزی و مثلث‌های کوچکی است که زائیده ذهنیات سوزندوزان است و بدون هیچ الگویی با مهارت و ظرافت بر سطح پارچه دوخته می‌شود. نکته جالب توجه در طرح سوزندوزیهای بلوچی این است که سوزندوزان به گونه‌ای ذهنی، طرح‌های رایج در هنرشان را به دو دسته تقسیم کرده‌اند و طبق معیارهای خاصی،

دسته‌ای از نقوش را «مرد» و گروهی دیگر را «زن» می‌خوانند. از آن رو که اغلب طرح‌ها مهم از برداشت‌ها و بینش‌های شخصی دوزندگان است و هر سوزندوز این امکان را دارد تا هرچه دلش می‌خواهد بر سطح پارچه بدوزد، به صراحت می‌توان گفت تعداد نقوش رایج در سوزندوزی بلوچ به مراتب بیش از تعداد دست‌اندرکاران آن می‌باشد. به همین دلیل برخلاف بسیاری از نقوش کاربردی دیگر هنرهای تزئینی که نام و مشخصات خاصی دارند، در بلوچستان نام و مشخصه‌ای برای نقوش متعدد نمی‌توان یافت.



### زری بافی

در یادداشت‌هایی به خط مرحوم «علی اکبر دهخدا» «زریفت» نوعی پارچه که تمام و یا گل‌ها و خطوط آن از تاروپود سیمین یا زرین باشد، آمده است.

### نگاهی به سوابق تاریخی

در مقبره «شارلمانی» پادشاه فرانسه یک قطعه زری به دست آمده که مربوط به دوره ساسانیان است. از قرن چهارم میلادی قطعاتی از زریهای ایران که در موزه ایون فرانسه نگهداری می‌شود، در دست است. در موزه‌های هنری لندن، پاریس، واشنگتن و آرمیتاژ شوروی سابق نیز قطعاتی دیگر وجود دارد که مبین ارزش و اعتبار زری بافی در ایران قدیم است. در ادوار پیشین، کارگاه‌های «طراز» سازی ایران علاوه بر آن که منسوجات گران‌بها را برای داخل کشور تهیه می‌کردند، قسمتی را برای صدور به ممالک خارج آماده می‌ساختند. نمونه‌هایی از منسوجات ابریشمی اوایل دوره اسلامی که با اسلوب ساسانی یافته می‌شد، هم اکنون در دست است، از جمله دستمالی که صورت حضرت عیسی (ع) بر آن نقش بسته و در کلیسای «سنت ویکتوریا» موجود است و پارچه‌ای که

شکل فیل بر آن بافته شده و در خزانه کلیساهای بزرگ «سانس» نگهداری می‌شود.

### زری و دوره‌های اسلامی

بعد از انقراض ساسانیان، تا مدتی کاربافت زری معوق ماند تا این که سلجوقیان یا علاقه‌ای که به هنر نساجی داشتند، جان تازه‌ای به کالبد این هنر سنتی دمیدند. در دوره‌های اسلامی، نقوش حیواناتی مانند شیر، عنقا و عقاب که زریفت شده‌اند و در متن پارچه جلال و شکوهی داشتند، بیانگر تکنیک‌های پارچه بافی در عصر سلجوقیان است و بعدها تدریجاً طرح‌های تازه‌ای به ابتکار طراحان و بافندگان به ظهور پیوست و در شخصیتی مستقل، دوره معتبر و اصیل نساجی صفویه را بنیان نهاد. پارچه‌های زرین بافت عصر صفوی از جهت پختگی طرح و هماهنگی رنگ‌ها بی‌نظیرند. این پارچه‌های سنگین و ارزشمند غالباً تحف و هدایای شاهان صفوی به حکمرانان اروپایی بوده است. پارچه‌های ابریشمی عصر صفوی سه گونه است: حریر ساده، ابریشم زریفت و مخمل ابریشمی. در عصر صفوی از نظر تکنیکی، به پارچه‌های زریفت و سیمباف سنگین و

مخمل برمی‌خوریم که در یک زمان بافته شده‌اند، به‌ویژه مخمل‌ها از لحاظ ظرافت نقوش و هماهنگی کامل رنگ‌ها بی‌مانند است. بعد از این زمان، به خاطر تغییراتی که در اوضاع البسه و سلیقه‌ها به وجود آمد زری جنبه تجمل به خود گرفت و از مصرف اصلی آن کاسته شد.

### زری بافی در دوره معاصر

در سال ۱۳۰۹ شمسی به اهتمام استادحسین طاهرزاده بهزاد تبریزی، کارگاه زری بافی سازمان میراث فرهنگی کشور با احضار استاد حبیب‌الله طریقی از کاشان فعالیت خود را آغاز کرد و از آن هنگام تاکنون بافت زری نه به عنوان یک منسوج عمومی، بلکه به عنوان حراست از هنری اصیل و پایدار ادامه یافته است. بعد از انقلاب اسلامی ایران، آموزش زری بافی، بسیار جدی گرفته شد و برای نخستین بار دانشجویان رشته‌های هنری دانشگاهها و دیگر علاقه‌مندان توانستند زری بافی را در طول چهار تا شش ماه بیاموزند. مواد اولیه زری که ابریشم و گلابتون است، هنوز هم در غنا و زیبایی این اثر مؤثر است. رنگرزی ابریشم‌هایی که در زری بافی کار برد دارد، با رنگ‌های طبیعی انجام می‌شود و به همین سبب از

ارزش فوق‌العاده‌ای برخوردار است و نیز طی سالیان متمادی ثابت و پایدار می‌ماند. زری هنری ظریف و طاقت فرسا است، به طوری که هر هنرمند استاد کار روزانه با توجه به نقش و عرض پارچه، فقط می‌تواند بین ۱۸ تا ۳۵ سانتی‌متر زری ببافد.

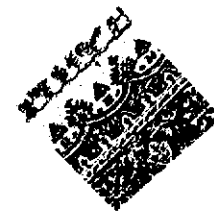
استفاده از منابع:

- ۱- مجله گردش شماره ۸۰۷
- ۲- مجله گردش شماره ۱۰۰۹
- ۳- مجله گردش شماره ۱۲۰۱۱
- ۴- سازمان سیاحتی و مراکز تفریحی بنیاد مسکن-تضعفان





## حریر خیال در نقش و نگار قلمکار



از: شهیدا نوری زاده

### شیوه ابتدایی قلمکار

نحوه ابتدایی تولید قلمکار بدین شکل بود که با قلم روی پارچه‌ای پنبه‌ای

پارچه نقاشی شده در قرن پنجم هجری قمری (یازدهم میلادی) است و همین امر باعث شده تا گروهی سابقه تولید قلمکار



و احتمالاً ابریشمی، طرح‌های مورد نظر را نقاشی نموده و سپس با مواد شیمیایی ویژه‌ای نسبت به تثبیت رنگ‌ها اقدام می‌کرده‌اند. لیکن به دلیل فقدان هماهنگی لازم بین نقوش و نیز از آنجاکه این کار مستلزم صرف وقت فراوانی بوده، تکامل تدریجی قلمکاری باعث شده تا برای دسترسی به تولید بیشتر و نیز ایجاد یکنواختی و هماهنگی نقوش، استفاده از مهرهای چوبی جایگزین استفاده از قلم مو شود و جهت فراهم آوردن امکان استفاده عموم از پارچه قلمکار، تهیه قلمکارهایی برون کتان، چلوار، کرباس و سایر انواع پارچه نیز رواج یابد و تحقیقات می‌تواند فاصله اوایل قرن دهم هجری تا اواسط قرن دوازدهم قمری را اوج قلمکارسازی و روزگار اعتدالی این هنر - صنعت به حساب آورد. چه آن که طی سال‌های یاد شده اکثر مردم کشور مصرف‌کننده پارچه قلمکار بودند و ضمن استفاده از این پارچه به عنوان پارچه لباسی، پرده، سفره، سجاده، رویه لحاف، بقچه، سوزنی، قطیقه، دستمال، کلاه‌قبا، شلیته، رومیزی،

را به روزگار محمودغزنوی برسانند در حالی که صحت این مطلب را به دشواری می‌توان پذیرفت زیرا اسناد معتبرتری گویای آن است که قلمکاری و نقاشی روی پارچه به شکل کنونی آن از دوره مغول‌ها رواج یافته است.

قدیمی‌ترین قلمکار ابریشمی، در مجموعه «ژرم پیشون» نگهداری می‌شود و تعلق به قرن دوازدهم هجری قمری است و ظاهراً متعلق به اصفهان دارد. در موزه «متروپولیتن» نیز نمونه‌هایی از تولیدات قرن نوزدهم میلادی موجود است که حاصل کار صنعتگران اصفهان، یزد و همدان می‌باشد و گویای این که تا حدود ۲۰۰ سال پیش تولید قلمکار در یزد و اصفهان رواج داشته و همچنین مأخذی در دست است که نشان می‌دهد قلمکار یزد با پارچه‌ای کرباس درست می‌شده و از حیث لطافت و خوش‌نمایی به پای قلمکاری‌های اصفهان نمی‌رسیده و دارای عرض کمی بوده و غالباً دو پارچه کم عرض را در کنار هم می‌دوخته‌اند تا یک قطعه قلمکار به دست آید.

عصر استیلای مغول‌ها، به‌رغم آدم کشتن‌ها و به‌آتش کشیدن‌ها به صورت یکی از درخشان‌ترین فصول تاریخ صنعت و هنر ایران درآمد. قلمکارسازی که امروزه نیز تولید آن در ابعادی گسترده رواج دارد یکی از ابتکارات خاص ایرانیان در این دوره است. به نوشته محققین از اوایل قرن هفتم هجری قمری و هم‌زمان با هجوم مغول‌ها، این هنر در ایران شکل گرفته و در گذشته‌هایی دور اصفهان، شیراز، بروجرد، همدان، رشت، نخجوان، یزد، سمنان، گناباد، نجف‌آباد جزو مراکز مهم تولید پارچه قلمکار به‌شمار می‌رفته و از نظر اهمیت پارچه‌های قلمکار بروجردی در مقام اول قرار داشته است. در حال حاضر اصفهان مرکز تولید قلمکار ایران است. این شهر در زمان صفویه پایتخت ایران بود و یکی از مراکز عمده تجمع هنر آفرینان و صنعتگران به‌شمار می‌آمد و هنرمندان از گوشه و کنار ایران به این شهر روی می‌آوردند و به تولید و عرضه محصولات مختلف از جمله قلمکار با عالیترین کیفیت هنری اقدام می‌کردند تا به آنجا که در این دوره، بیشتر لباس‌های مردانه و زنانه از پارچه‌های قلمکار تهیه می‌شد. این پارچه‌ها در زمان خود شهرت فراوان داشت. از آن میان یک نوع قلمکار با طرح و نقش خاص خود به نام «دلگه» برای لباس مردانه و زنانه تهیه می‌شد. از انواع دیگر قدیمی قلمکاری‌ها می‌توان حفره‌های «زریا-کلیلی»، «جیگر نات قرمز» و «جیگر نات بنفش» را نام برد. در این دوره محصولات قلمکار به‌وسیله قالب زنی تولید می‌شد. همچنین شاهد و مدارک مکتوبی وجود دارد که حاکی از وجود نوعی

روتختی و کتیبه‌هایی برای تزئین مجالس سوگواری شهدای کربلا نیز از آن بهره‌می‌گرفتند.

### قلمکار از ابتدا تا امروز

قلمکاری که نوعی از چاپ سنتی بر روی پارچه است گذشته پرفراز و نشیبی داشته است، در زمان صفویه این صنعت رونق به‌سزا یافته و بیشتر لباس‌های مردانه و زنانه از پارچه قلمکار تهیه می‌گردید. در قرن دهم هجری قمری بازار قیصریه اصفهان که بعد از حمله مغول‌ها از بین رفته بود مرمت و بازسازی شد به‌صورت مرکز تجمع قلمکارسازان درآمد و کارگاه‌های تولید از سردر قیصریه تا انتهای بازار ادامه داشت. در فاصله سال‌های ۱۱۴۸ تا ۱۲۱۴ هجری قمری، صنعت قلمکارسازان ایران سیر قهقرائی را پیمود و طی سال‌های بعد کاملاً سقوط کرد و از میان انبوه قلمکارسازان جز معدودی انگشت شمار باقی نماندند. زیرا ضعف و سستی شاهان قاجار از یک سو و طمع بیش از حد کشورهای نظیر انگلیس، روسیه، هند و هلند از سوی دیگر بازار ایران را به صورت انباری از انواع و اقسام کالاهای وارداتی از کشورهای مذکور درآورد و در نتیجه صنعتگران بیشمار بی‌کار ماندند و تدریجاً هریک به گوشه‌ای رفتند. تا این که از سقوط قاجاریه و قطع نسبی مناسبات تجاری گذشته، به پشتوانه علاقه‌مندی و همت جمعی از دست اندکاران صنایع دستی شرکت‌های تولید قلمکار و صنایع دیگر تشکیل گردید و بر اثر کوشش آنان بار دیگر صنعت رونق

گرفت و اگرچه با شعله‌ور شدن آتش جنگ جهانی دوم بار دیگر لطماتی متوجه صنعت قلمکارسازی شد اما این ضربه‌ها چندان کاری نبود که بتواند وقفه یا رکودی در فعالیت‌های بعدی دست اندکاران شود. امروزه نیز در اصفهان - مشهد - دامغان و ایبانه عده‌ای به تهیه و تولید پارچه‌های قلمکار اشتغال دارند.

### شیوه قلمکاری در ایران

قلمکارسازی گونه‌ای از چاپ‌های سنتی است که اگرچه ظاهراً ریشه غیرایرانی دارد ولی هنرمندان ایران نقش مؤثری در تکمیل آن داشتند و برای نخستین بار قلمکارسازان ایرانی بودند که برای دسترسی به تولید بیشتر و ایجاد هماهنگی و یکتاختی نقوش استفاده از مهرهای چوبی را جایگزین استفاده از قلم مو ساختند. و جهت فراهم کردن امکاناتی برای استفاده عموم قلمکار را که قبلاً فقط بر روی پارچه‌های پشمی و ابریشمی انجام پذیر بود بر پهنه‌ای از پارچه از قبیل متقال، کتان، چلوار، کرباس و حتی پوپلین و گاندی کشاندند.

در حال حاضر چاپ قلمکار به وسیله قالب‌های چوبینی که دارای نقوش برجسته است، انجام می‌شود و در حقیقت رکن اصلی قلمکارسازی را قالب سازی تشکیل می‌دهد که معمولاً توسط افرادی که حرفه و تخصص شان قالب تراشی است به تفکیک رنگ و حداکثر در چهار رنگ بر روی چوب‌های مانند گلابی و زالزالک تراشیده می‌شود. رنگ‌سازی یکی از حساس‌ترین مراحل ساخت قلمکار است که طی آن استادکاران براساس تجربیاتشان از موادی ساده و ارزان قیمت نظیر پوست انار، روغن کنجد، کتیرا، گل سرخ، شیرۀ انگور، زردچوبه، روغن کرچک، زاج سیاه و سفید، رنگ آهن مواد رنگی مورد نظرشان را تأمین می‌کنند و پس از آن به تهیه مقدمات چاپ پارچه می‌پردازند.

نخستین مرحله چاپ قلمکار آب گرفتن و اگرچه با شعله‌ور شدن آتش جنگ جهانی دوم بار دیگر لطماتی متوجه صنعت قلمکارسازی شد اما این ضربه‌ها چندان کاری نبود که بتواند وقفه یا رکودی در فعالیت‌های بعدی دست اندکاران شود. امروزه نیز در اصفهان - مشهد - دامغان و ایبانه عده‌ای به تهیه و تولید پارچه‌های قلمکار اشتغال دارند.

دادن پارچه است که طی آن پارچه مورد نظر جهت قلمکارسازی را به رودخانه برده و مدتی در آب روان قرار می‌دهند تا رنگ‌های اضافی، آهار و سایر مواد زائد آن گرفته شود. از آن‌جا که اکثر پارچه‌های مورد مصرف در قلمکار سازی دستباف بوده و فاقد سفیدی و شفافیت کافی است بعد از آب‌خوردن نوبت سفیدگری آن می‌رسد که معمولاً سفیدگری بر روی پارچه‌های ماشینی نظیر چلوار یا گاندی که قبلاً در کارخانه عملیات سفیدگری بر روی آنها انجام شده ضروری نیست. صنعتگران پس از شستشوی کامل پارچه آن را بر روی ریگ‌های ساحل رودخانه گسترده و به وسیله ظروفی مسین که «لاک» نامیده می‌شوند به طور مرتب روی آن آب می‌پاشند، بعد از مدتی، در اثر تابش نور خورشید رنگ پارچه به صورتی کاملاً سفید در می‌آید. گاهی نیز قلمکاران ترجیح می‌دهند زمینه پارچه را به رنگ زرد درآورند که در این صورت دندانه کردن پارچه اجتناب‌ناپذیر است. عمل دندانه کردن پارچه معمولاً در کنار رودخانه انجام می‌شود و شیوه کارچنین است که ابتدا شش قسمت گردپوست انار و یک قسمت پودر هلیله (میوه درختی که در هند می‌روید و رنگش زرد یا سیاه است) را با افزودن کمی آب به صورت خمیری سفت درآورده و جهت استفاده به شکل گلوله‌هایی درست می‌کنند. سپس این گلوله‌ها را در آب حل نموده و پارچه‌هایی را که دندانه آن‌ها مورد نظر است در مایع حاصل فرو می‌برند تا کلیه نقاط، پارچه به مایع آغشته شده و رنگ زرد مایل به کرم به خود بگیرد. سپس آن را آبگیری کرده و در برابر آفتاب خشک می‌کنند و بعد موارد مصرف پارچه را تعیین نموده و آن‌ها را به اندازه‌های دلخواه می‌برند و سرانجام برای چاپ به کارگاه انتقال می‌دهند. در مرحله چاپ استادکار ابتدا قالب چوبی را که آغشته به رنگ مشکلی است روی پارچه قرار داده و با مشت بر روی آن ضربه می‌زند و به این ترتیب نقش روی قالب

به پارچه منتقل می‌شود و با تکرار این عمل کلیه قسمت‌هایی که باید به رنگ مشکلی درآید چاپ می‌شود. مشکلی نخستین رنگ قلمکار است که در هنگام انتقال بر روی پارچه کمی کمرنگ‌تر از رنگ اصلی است و احتیاج به عملیات دیگری دارد تا رنگ اصلی آن ظاهر شود. شیوه استفاده از رنگ دوم (رنگ قرمز) مشابه رنگ مشکلی است و همانند آن احتیاج به عملیات دیگری جهت تثبیت دارد. بعد از نقش زنی دو رنگ مشکلی و قرمز، پارچه را به رودخانه برده و مدت دو تا سه ساعت می‌شویند تا رنگ‌های اضافی از آن خارج گردد و بعد از خشکاندن آن را آماده تثبیت رنگ می‌کنند. شیوه تثبیت رنگ به این صورت است که ابتدا پاتیلی را پر از آب نموده و به وسیله حرارت دادن پاتیل، آب داخل آن را جوش می‌آورند، سپس مغز روناس و پوست انار سائیده شده را به آب‌جوش داخل پاتیل اضافه نموده، حرارت می‌دهند تا کاملاً در آب حل شود. در این حال رنگ محلول داخل پاتیل قرمز می‌شود و صنعتگران پارچه‌های رنگ شده را در داخل آن قرار داده و به وسیله یک قطعه چوب اصطلاحاً «ورکش» می‌کنند. سپس آنها را خشکانده، به کارگاه برمی‌گردانند و به چاپ‌های رنگ‌های آبی و زرد به شیوه پیش گفته می‌پردازند. در قلمکاری معمولاً از پنج رنگ سیاه - قرمز - آبی - سبز و زرد به عنوان رنگ‌های اصلی و از قهوه‌ای و سایر رنگ‌هایی که نتیجه ترکیب رنگ‌های اصلی است به عنوان رنگ‌های فرعی یاد می‌شود که در حال حاضر برای تهیه کلیه رنگ‌ها از مواد رنگزای گیاهی استفاده به عمل می‌آید و فقط رنگ سبز حاصل استفاده قلمکارسازان از نوعی رنگ شیمیایی است که به تازگی صنعتگران با استفاده از موادی نظیر کتیرا، نیل پرتلاوسی، گلیسیرین و اسپرک (گیاهی که کلیه اجزای آن دارای رنگ است) موفق به تهیه رنگ سبز نیز شده‌اند.

هم‌اینکه استفاده از پارچه‌هایی با چاپ باتیک به عنوان لباس زنانه و روسری در ایران رونق و رواجی شایسته دارد و پارچه‌های قلمکار نیز موارد مصرف زیادی به عنوان سفره - رومیزی - پرده - روتختی - رویه کوسن و روبالشی دارد.

منابع:

- ۱- بر روی بر صنایع دستی
- ۲- نشریه دست‌ها و نقش‌ها

